۱۹ مردی با چشمان حادثه‌ساز

زندانی قلعه فراموشی

در حاشیه

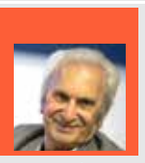

محمد بلوری/ روزنامه نگار

خلاصه‌ای از گذشته: پهلوان حیدر در داخل تنه درخت چند صد ساله بی‌مصرف معروف به «درخت حاجت» و در پای سقاخانه پیرمردی را می‌دید که با تنی نیمه عریان روی تخت چوبی دراز کشیده بود و ساق استخوانی یک پایش را با زنجیری به پایه تخت چوبی بسته بودند...

پهلوان حیدر با خودش گفت: این پیرمرد بیچاره داره می میره، پای بلندشدن نداره دیگه چرا به پایش زنجیر بستن؟

چشم پهلوان به چشم‌های بی‌فروغ پیرمرد افتاد که رو به شیر منبع آب سقاخانه گردانده بود و در نگاهش حسرت چکه‌های آبی نقش بسته بود که از سرشیر آب منبع قطره قطره بر کف پاشیر می چکید وصدای هر قطره در فضای تاریک سقاخانه می پیچید با این حسرت که کاش این قطره‌ها بر لب خشکیده و تاول بسته‌اش می چکید. دل پهلوان به حال پیرمرد سوخت. خواست وارد سقاخانه درختی شود و پیاله مسی را که با زنجیری به منبع آب بسته شده بود از آب خنک پر کند تا پیرمرد هر چه آب خواست بنوشد اما جوان تفنگ به دوشی که لباس رنگ و رو رفته امنیه‌ها را پوشیده بود راه را بر پهلوان بست و با لهجه بادیه نشینان منطقه کویری جزیره گفت: این حکم آقا بزرگ است هیچ‌کس حق نداره به این «بندی» کافر کمک کنه. فرمان فرمان آقا بزرگ است چون باید به قلعه فراموشی منتقلش کنند. پهلوان حیدر در فضای نیمه تاریک سقاخانه درخت حاجت پیرمرد زندانی را دید که دنده‌های برآمده جناق سینه استخوانی اش با هر نفسی بالا و پایین می‌رفت و نگاه پر تمنایش به او بود تا بر لب‌های داغمه بسته‌اش جرعه‌ای آب بنوشاند. پهلوان حیدر در وصف این قلعه که آقا بزرگ در ارتفاعات شرقی جزیره برای زندانی کردن دشمنان خاص خود در نظر گرفته بود داستان‌های شگفتی آوری شنیده بود می گفتند هر زندانی که به قلعه فراموشی منتقل شود هرگز از این قلعه بیرون نخواهد رفت.

آقابزرگ که خود را از اعقاب و نوادگان شاه اسماعیل صفوی بنیانگذار سلسله صفوی می‌دانست این قلعه مخوف را به شیوه شاه طهماسب اول در مرتفع‌ترین نقطه کوهستان در بخش شرقی جزیره برای زندانی کردن دشمنان خاص خود در نظر گرفته بود قلعه‌ای که راهی برای رفت و آمد به آن وجود نداشت و می‌بایست برای رسیدن به آنجا از پرتگاه‌های خطرناک گذر کرد.

پهلوان وقتی امنیه تفنگ به دوش را مقابل خود دید با خشم بر سرش فریاد کشید: «مردک بی‌شعور این پیرمرد اگر زندانی است، باشد انصاف و مروت تو کجا رفته؟ من باید جامی آب در گلوی خشکیده‌اش بریزم تو یک تفنگدار هستی باش یک سپاه هم بیاید نمی‌توانند جلودارم باشند.

امنیه جوان دست به تفنگش برد تا آن را از گل شانه‌اش وارهاند اما دو مرد جوان با دیدن پهلوان سینه به سینه تفنگچی جوان سپر کردند و آنکه چون پهلوان یلی بود بر سر تفنگچی جوان نعره زد: جوان نادان به تفنگ قراضه‌ات ننازی که اگر دستی به هم زنیم جوانان این آبادی به حرمت این پیر سپید مویی که پا در زنجیر دارد یعنی ارغنون بزرگ خاک این آبادی را با قصر آقابزرگتان به توبره خواهند کشید. قصری که با خون جوانان‌مان بنیان گرفته است. پهلوان با شنیدن نام ارغنون بهت زده به پیرمرد زندانی نگاه کرد آنگاه با خشمی سوزان که شراره‌هایی در چشم‌های غضبناکش شعله می‌کشید مشتی به سینه امنیه جوان از قراولان قصر آقا بزرگ کوبید و بعد هجوم به سقاخانه برد تا زنجیر را از پای استاد ارغنون بیمار باز کند. همان لحظه جوان چهار شانه‌ای که استاد ارغنون را شناسایی کرده بود به یاری پهلوان رفت تا او را در گشودن زنجیر از پای استاد و نشاندنش بر لبه تخت کمک کند. انبوه جمع هیجان زده بر دهانه سقاخانه به هم هجوم می‌آوردند تا پس از چند سال استاد ارغنون را ببینند و قراول تفنگدار قصر آقا بزرگ هم که زیر پای مردم مانده بود چهار دست و پا دنبال تفنگش می‌گشت. در میان انبوه جمعیت فریادی به پا خاست یکی از سیاهپوش‌های قداره‌بند نفس زنان از راه رسید و بر سر تفنگچی جوان تشر زد این زندانی را چرا اینجا نگهش داشته‌اید و برای مردم معرکه گرفته‌اید. مگر نمی‌فهمید این مرد یک زندانی معمولی نیست. باید به قریه فراموشی برده شود؟ در این هنگام هجوم مردم خشمگین جریان داشت و مردمی را می‌دیدی که ارغنون پیر این نشانه حرکت افکارعمومی را به روی دوش گرفته بودند و با خود می‌بردند.

ادامه دارد

حکم جایگزین حبس برای خرید نوزاد

گروه حوادث/ قاضی دادگاه کیفری استان تهران برای زوج جوانی که اقدام به خرید یک نوزاد کرده بودند و دو کارمند کلینیک نازایی که واسطه این خرید و فروش بودند مجازات جایگزین حبس صادر کرد.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ۱۴ خرداد سال گذشته زن جوانی با لباس پرستاری وارد یک بیمارستان در شهریار شد و نوزاد پسر یک روزه‌ای را از کنار مادرش دزدید.

با شکایت پدر و مادر این نوزاد بلافاصله مأموران پلیس شهریار وارد عمل شده و تحقیقات را آغاز کردند. در ادامه با توجه به اینکه خبر ربودن نوزاد در فضای مجازی منتشر شده بود چند روز بعد کارآگاهان پلیس زوج جوانی را که به‌تازگی یک نوزاد خریده بودند شناسایی و دستگیر کردند اما زوج شاکی پرونده بعد از دیدن نوزاد دریافتند او پسر گمشده آنها نیست. با این حال در ادامه بررسی‌ها، نوزاد ربوده شده از بیمارستان شهریار پیدا و به خانواده‌اش برگردانده شد.

■ **پرونده جدید**

در حالی که پرونده نوزادربایی از بیمارستان با پیدا شدن پسر کوچولو در دست رسیدگی بود اما تیم تحقیق به بررسی پرونده زوج جوانی پرداختند که مدعی شده بودند نوزادی را خریده‌اند.

این زوج نابارور حتی شناسنامه نیز برای این بچه گرفته بودند.

زوج جوان که خود را در دام پلیس می‌دیدند و دستشان رو شده بود، راز فرزندشان را برملا کردند. بهنوش؛ زن جوان در تحقیقات گفت: سال ۹۲ ازدواج کردم و خیلی طول نکشید که متوجه شدیم بچه‌دار نمی‌شویم. شاید باور نکنید اما برای بچه‌دار شدن کلی هزینه کردیم، اما دوا و درمان‌ها بی‌نتیجه ماند. در نهایت تصمیم گرفتیم که از بهزیستی فرزندی بیاوریم. اما وقتی داشتیم مراحل فرزندخواندگی را طی می‌کردیم از ماجرایی با خبر شدیم که باعث شد از تصمیمان منصرف شویم. ما متوجه شدیم که داخل شناسنامه نوشته می‌شود «فرزند خوانده» و بدین ترتیب همه با خبر می‌شوند که ما بچه را از بهزیستی گرفته‌ایم. در صورتی که ما تصمیم داشتیم برای اینکه کسی از این ماجرا با خبر نشود، چند ماهی را دور از فامیل باشیم و به دروغ به آنها بگوییم که باردارم و بعد از گرفتن فرزند، به دوست و آشنا بگوییم که صاحب فرزند شده‌ایم. وقتی از این کار منصرف شدیم به یک کلینیک باروری رفتیم.

■ **فروش خودرو برای خرید نوزاد**

بهنوش گفت: در آنجا یکی از کارکنان به ما گفت زنی که وضع مالی بدی دارد و باردار است قصد دارد بچه‌اش را سقط کند. می‌گفت شوهر این زن او را رها کرده و رفته و خبری از او نیست. او گفت حاضر است که بچه را از زن جوان با مبلغی بگیرد و به ما تحویل دهد. سال ۹۷ بود که چنین پیشنهادی به ما داده شد و ما هم قبول کردیم. با به دنیا آمدن پرهام در سال ۹۸، خودرویمان را به مبلغ ۳۰ میلیون تومان فروختیم و به دو کارمند کلینیک دادیم و پرهام را گرفتیم. البته آنها قول داده بودند که شناسنامه‌ای هم به‌نام پرهام بگیرند و اسم من و همسرم به‌عنوان والدین داخل شناسنامه باشد که این اتفاق هم افتاد.

بدین ترتیب تیم تحقیق به سراغ دو کارمند کلینیک رفته و دو زن جوان بازداشت شدند.

آنها اظهار داشتند با رضایت خانواده‌هایی که بچه‌دار نمی‌شدند و خانواده‌هایی که فرزندشان را نمی‌خواستند بین آنها ارتباط برقرار کرده و واسطه‌گری می‌کردند. الان هم نمی‌دانیم پدر و مادر واقعی پرهام کجا هستند.

■ **مجازات جایگزین حبس**

با اعترافات دو زن جوان و زوج خریدار نوزاد، پرونده آنها برای صدور حکم به دادگاه ارسال شد. از آنجایی که دو زن جوان از کاری که کرده بودند به شدت ابراز ندامت کردند قاضی دادگاه حکم جایگزین حبس برای آنها صادر کرد. طبق حکم دادگاه دو زن جوان که در کلینیک کار می‌کردند به مدت یک سال باید در یک منطقه محروم به اهالی منطقه اقدامات درمانی و کارهای پزشکی آموزش دهند.

همچنین زوج جوان نیز که نوزاد را خریداری کرده بودند، محکوم به تدریس در یکی از مدارس مناطق محروم اطراف تهران به افراد بیسواد به مدت دو روز در هفته شدند. قرار است این زوج از مهر امسال آموزش خود را آغاز کنند.

از آنجایی که حکم صادره از سوی دادگاه با اعتراض متهمان همراه نبود، پرونده برای اجرای حکم به دادسرای جنایی پایتخت ارسال شد.

با توجه به حسن نیت زوج جوان، وضع مالی خوب آنها و خوش‌رفتاری‌شان با کودک و از آنجایی که خانواده پرهام که اکنون ۱۴ ماهه است شناسایی نشده‌اند، نوزاد نزد خانواده جدیدش می‌ماند. زوج جوان اقدام برای دریافت حضانت او را آغاز کرده تا بتوانند به‌صورت کامل و قانونی حضانت پرهام را به عهده بگیرند.

۵۰ قسم برای تبرئه از قتل همسر

گروه حوادث/ مرد جوان برای این که ثابت کند قاتل همسرش نیست مقابل قضات دادگاه ۵۰ بار بر بی‌گناهی خود قسم یاد کرد.

به‌گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، این پرونده پر ماجرا از سال ۹۱ روی میز قاضی قرار گرفت. مرد میانسالی که دخترش کشته شده بود با شکایت از دامادش به پلیس گفت: دخترم بعد از زایمان دچار افسردگی شده بود و با شوهرش مدام درگیری داشت شب حادثه دامادم زنگ زد و گفت حال دخترم دوباره بد شده است به او گفتم دخترم را به خانه من بفرست اما خبری نشد تا اینکه نیمه‌های شب زنگ زد و گفت میترا خودکشی کرده است. وقتی به آنجا رفتم نوه‌ام هم زخمی و خونین بود و دامادم هم با چاقو زخمی شده بود او گفت میترا آنها را زده است اما من باور نمی‌کنم.

در حالی که داماد خانواده به نام کیوان اتهام قتل را رد می‌کرد درباره اینکه چه حادثه‌ای در آن شب رخ داد گفت: من و همسرم مدتها بود که با هم اختلاف داشتیم همسرم دچار افسردگی بسیار شدیدی شده بود چند بار می‌خواست خودکشی کند که من اجازه ندادم. شب حادثه طبق معمول بدخلقی کرد و با زدن من و بچه سعی داشت خودش را آرام کند درگیری ما بالا گرفت و من هم به پدرزنم زنگ زدم و درخواست کمک کردم او گفت دخترم را به خانه من بفرست اما میترا قبول نکرد.

ساعتی بعد من بچه را خواباندم و خودم هم به تخت رفتم که بخوابم. ناگهان متوجه صدای گریه بچه‌ام شدم. فکر می‌کردم برای شیرخوردن بیدار شده است اما وقتی چشمانم را باز کردم همسرم را دیدم که خون‌آلود با یک چاقو جلوی من ایستاده است او بچه را با چاقو زده بود. به سمتش حمله کردم که چاقو را از دستش بگیرم تا آسیب بیشتری به بچه نزند اما چند ضربه به من زد و دستم را زخمی کرد چند ضربه هم به شکم من زد. می‌خواستم چاقو را بگیرم چند ضربه به خودش زد و در نهایت درحالیکه من به خاطر زخم‌هایی که بر بدنم وارد شده بود خیلی ناتوان شده بودم او یک ضربه به شکم خودش زد. قبل از اینکه بیهوش شوم با پلیس تماس گرفتم و درخواست کمک کردم.

پزشکان به‌طور معجزه آسایی توانستند کودک یک ساله را از مرگ نجات بدهند. آنها اعلام کردند ضربات بر بدن کودک به قصد قتل زده شده بود.

این در حالی بود که پزشکی قانونی نیز اعلام کرد ضرباتی که به هر سه نفر یعنی میترا، فرزندش و کیوان وارد شده است ضربات کشنده‌ای بوده است.

در ادامه متخصصان پزشکی قانونی اعلام کردند احتمال اینکه میترا خودزنی کرده باشد وجود دارد. با تکمیل تحقیقات و با توجه به اینکه پزشکی قانونی با اطمینان فرضیه قتل را رد نکرده بود کیفرخواست علیه شوهرش صادر شد و متهم برای رسیدگی در شعبه ۸ دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه رفت.

کیوان در جلسه رسیدگی اتهام قتل را رد کرد و گفت: من اگرقصد کشتن او را داشتم که خودم با پلیس تماس نمی‌گرفتم. ضمن اینکه روی چاقو فقط اثر انگشت میترا وجود داشته است.

بعد از گفته‌های متهم، قضات وارد شور شدند و او را تبرئه کردند اما پدر میترا به رأی صادره اعتراض کرد. قضات دیوان عالی کشور نیز رأی صادره را نقض کرده و پرونده را از موارد لوث تشخیص دادند و پرونده دوباره در شعبه ۸ دادگاه کیفری استان تهران به جریان افتاد. از آنجایی که مراسم قسامه باید برگزار می‌شد و اولیای دم موفق نشدند ۵۰ نفر فامیل نسبی را برای قسامه به دادگاه معرفی کنند قضات از متهم خواستند خودش قسم بخورد که مرتکب قتل نشده است. مرد جوان نیز ۵۰ بار قسم خورد که بی‌گناه است و قتلی مرتکب نشده است بدین ترتیب با پایان جلسه دادگاه رأی برائت متهم صادر شد و قضات دیوان‌عالی کشور نیز این حکم را تأیید کردند.

توهم شیشه مرد معتاد را قاتل کرد

گروه حوادث/ مرد شیشه‌ای که به‌خاطر توهم ناشی از مصرف مواد مخدر دوستش را به قتل رسانده بود در بازجویی‌ها انگیزه خود را از این جنایت سوءظن به وی عنوان کرد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، حدود ۴۰ روز قبل خبر کشف جسد مردی معتاد در خانه مجردی اش واقع در حصارک کرج به پلیس اعلام شد. در پی اعلام وقوع قتل توسط مرکز پیام پلیس آگاهی بلافاصله کارآگاهان اداره جرایم جنایی به محل حادثه اعزام شدند.

در بررسی‌های اولیه کارآگاهان مشخص شد مقتول به‌نام کیان ۳۵ ساله معتاد به مواد مخدر بوده و در خانه‌ای مجردی زندگی می‌کرده و در روز وقوع حادثه، قاتل با بستن دست و پای او به وسیله یک سیم برق او را خفه کرده و از محل متواری شده است. سرهنگ «محمد نادربیگی» رئیس پلیس آگاهی استان گفت: در ادامه کارآگاهان با بررسی‌های میدانی متوجه شدند که مقتول با یکی از دوستانش مراودات زیادی داشته اما او نیز پس از وقوع قتل متواری شده و کسی از محل مخفی شدنش خبر ندارد. سرانجام با تلاش و پیگیری ۴۰ روزه کارآگاهان در نهایت مخفیگاه متهم در یکی از روستاهای اطراف شهرستان کرج شناسایی و با هماهنگی مقام قضایی در یک عملیات غافلگیرانه دستگیر و به پلیس آگاهی منتقل شد.

متهم که ۳۴ ساله و معتاد است ضمن اعتراف به قتل گفت: من سال‌ها با مقتول رابطه دوستی داشتم مدتی بود که همسر و بچه‌هایش او را ترک کرده بودند و وی به تنهایی زندگی می‌کرد بیشتر اوقات به خانه ما می‌آمد و من هم گاهی به خانه او می‌رفتم و با همدیگر مواد مخدر مصرف می‌کردیم، روز حادثه مقدار زیادی مواد روانگردان شیشه تهیه کردم و برای استعمال آن به منزل مقتول رفتم بعد از مصرف مواد دچار توهم شدم و فکر کردم او به همسرم سوء نیت دارد ناگهان حالم بد شد و با سیم برق او را خفه کردم بعد هم دست و پایش را بستم چون از جسدش ترسیدم فکر می‌کردم روحش در تعقیب من است به همین خاطر بلافاصله فرار کردم.

رئیس پلیس آگاهی استان البرز با اشاره به تحویل متهم به مراجع قضایی خاطرنشان کرد: استفاده از مواد روانگردان تبعات زیادی دارد، چراکه فرد هنگام استفاده از آن دچار توهم شدید شده و دست به اقدامات غیرقابل جبران می‌زند.

سرقت های سریالی از مشتریان آرایشگاه زنانه

گروه حوادث/ زن جوان که با ورود به آرایشگاه‌های زنانه گوشی‌های تلفن همراه مشتری‌ها را سرقت می‌کرد، آنها را به دوستش می‌داد تا مقابل پاساژ علاءالدین بفروشد.

رسیدگی به این پرونده از مدتی قبل و با شکایت چند زن جوان به کلانتری ۱۵۰ تهرانسر آغاز شد. آنها که همگی مشتری یا متصدی آرایشگاه‌های زنانه بودند در شکایت خود مدعی شدند که در یک لحظه غفلت تلفن همراهشان از داخل آرایشگاه به سرقت رفته است. سرهنگ «محمود مالمیر» رئیس کلانتری ۱۵۰ تهرانسر در تشریح این خبر گفت: پس از این شکایت‌ها و چهره‌نگاری سارق بررسی موضوع در اختیار تیمی از مأموران کلانتری قرار گرفت و آموزش‌های لازم به آرایشگاه‌های زنانه ارائه شد تا به محض مشاهده سارق موضوع را به‌کلانتری اطلاع‌رسانی کنند.

این مقام پلیسی ادامه داد: تحقیقات ادامه داشت تا اینکه ساعت ۱۹:۳۰ دقیقه چهارشنبه ۱۸ تیرماه

یکی از متصدیان آرایشگاه زنانه در تماس با کلانتری عنوان کرد، زن جوانی با مشخصات سارق تحت تعقیب به آرایشگاه آنها مراجعه کرده است که خیلی زود تیمی از مأموران به محل اعزام شده و زن جوان را که پس‌از سرقت گوشی موبایل قصد فرار داشت در مسیر خروجی آرایشگاه دستگیر کردند. بدین ترتیب در حالی که تعدادی از شاکیان به کلانتری مراجعه و سارق آرایشگاه‌های زنانه را شناسایی کردند، این زن ۴۰ ساله که در زمینه سرقت از آرایشگاه‌های زنانه از مجرمان سابقه دار است در اعترافاتش به ۱۲ فقره سرقت از آرایشگاه‌های زنانه اعتراف کرد و گفت گوشی‌های موبایل را به پسر ۲۸ ساله‌ای فروخته است. در ادامه تحقیقات پلیسی، مأموران کلانتری موفق شدند پسر جوان را دستگیر کنند و متهم با قبول جرم ارتکابی اعتراف کرد، برای گوشی‌های سرقتی یک کارتن تهیه کرده است و تلفن‌های همراه را در مقابل پاساژ علاءالدین به افرادی که اطلاعات کمی در زمینه تلفن همراه داشتند و بخصوص اتباع خارجی با قیمت بالایی فروخته است.

وی با اشاره به اینکه متهمان برای سیر مراحل قانونی به مرجع قضایی معرفی شدند، در پایان گفت: شهروندان توجه داشته باشند که تلفن همراه و وسایل با ارزش و پول خود را در پیشخوان آرایشگاه‌ها قرار ندهند تا هدف سارقان حرفه‌ای قرار نگیرند.

۴ کشته در تصادف پراید با تریلی

گروه حوادث/ انحراف به چپ خودروی پراید و برخورد با تانکر سوخت در محور طبس - یزد ۴ کشته برجا گذاشت.

سرهنگ علیرضا رضایی رئیس پلیس راه خراسان جنوبی گفت: این حادثه حدود ساعت ۶ صبح شنبه در کیلومتر ۱۰۰ محور طبس به یزد رخ داد و با اعلام حادثه بلافاصله نیروهای پلیس، امدادی و عملیاتی به محل اعزام شدند که بر اثر آتش‌سوزی خودروی پراید، ۴ سرنشین آن جان باختند.

رئیس پلیس راه خراسان جنوبی اظهار داشت: انحراف به چپ خودروی پراید به علت خستگی علت اصلی این حادثه است.

مجتبی خالدی، سخنگوی اورژانس کشور نیز گفت: در حادثه تصادف صبح دیروز ۴ سرنشین پراید جان باختند و ۲ نفر مصدوم شدند که به مراکز درمانی منتقل شده‌اند.

حوادث جهان

قتل راننده اتوبوس فرانسوی به خاطر تذکر به مسافر

گروه حوادث / راننده اتوبوس فرانسوی که طبق قانون و برای رعایت شیوه نامه‌های بهداشتی از ۲ مسافر خواسته بود داخل اتوبوس ماسک استفاده کنند، مورد ضرب و جرح قرار گرفت و جان باخت. فیلیپ مونگیوت، ۵۹ ساله آخرهفته گذشته براثر این حمله در جنوب غربی بایون، دچار مرگ مغزی شد و در بیمارستان درگذشت. درهمین رابطه ژروم بوربیر، دادستان به خبرگزاری فرانسه گفته است که پس از مرگ مونگیوت آنها خواستار اشد مجازات برای متهمان هستند. ژان کاستکس، نخست‌وزیر فرانسه نیز به این راننده اتوبوس ادای احترام کرد و در توئیتی نوشت: «جمهوری (فرانسه) او را به‌عنوان یک شهروند نمونه می‌شناسد و او را فراموش نمی‌کند. قانون عاملان این جنایت ننگین را مجازات خواهد کرد.» درعین حال نخست‌وزیر فرانسه حمله به راننده اتوبوس را «بزدلانه» توصیف کرد. دادستانی فرانسه همچنین اعلام کرد که علاوه بر دو متهم اصلی، سه نفر دیگر نیز در این رابطه متهم شده‌اند. دو نفر به‌دلیل کمک نکردن به شخص در معرض خطر و نفر سوم برای تلاش در مخفی کردن مظنون به حمله، متهم شده‌اند. گفتنی است دو متهم اصلی این حمله ۲۲ و ۲۳ ساله هستند و پیش از این در اداره پلیس پرونده داشته‌اند.

غرق شدن ۱۱ مصری در سواحل اسکندریه

۱۰ مرد جوان که برای نجات دادن یک کودک وارد آب های خروشان اسکندریه در سواحل شمالی مصر شده بودند، همگی غرق شدند. به گزارش آسوشیتدپرس، مقامات مصری با اعلام خبرغرق شدن این ۱۱ نفردریکی از سواحل شمالی این کشور که به آبشارهای سنگی و آب‌های پرخروشش مشهور است، اعلام کردند: این حادثه روز جمعه پس از آنکه یک پسربچه وارد آب شده بود، آغاز شده است. در پی این حادثه یک مرد برای نجات پسربچه وارد آب شده اما خود نیز غرق می‌شود. سپس ۹ نفر دیگر برای نجات آن دو به آب زده‌اند اما هیچ‌یک موفق نشده و هر ۱۱ نفر در نهایت غرق شدند. گروه‌های امدادی اجساد شش نفر از قربانیان را از آب خارج کرده‌اند و عملیات جست‌وجو برای بازیابی دیگر اجساد ادامه داشته است. آب‌های اسکندریه به ویژه در تابستان محبوبیت گردشگری بسیاری دارد اما درحال حاضر به دلیل همه‌گیری کرونا سواحل این شهر تعطیل شده‌اند و نگهبان و غریق نجاتی در آنها حضور ندارد. اما این افراد سحرگاه جمعه دور از چشم مأموران پلیس برای شنا وارد آب شده بودند.